

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های
والدگری مادران دارای کودکانی که مشکلات رفتاری
برون‌ریزی شده دارند

**The effect of behavioral parent training on decreasing
stress and improving parenting styles of mothers of
children with externalized behavior problems**

M. Amiri, Ph.D. دکت‌ر محسن امیری*

R. Pourhosein, Ph.D. دکت‌ر رضا پورحسین**

M. Yosefi Afrashteh, Ph.D. دکت‌ر مجید یوسفی افراشته*

M. Khanabadi, Ph.D. Student. مهدی خان‌آبادی***

A. Motavallipor, Ph.D. Student. عباس متولی‌پور****

چکیده

تنیدگی، والدگری و مشکلات روانشناختی والدین کودکان با مشکلات رفتاری اثرات مخربی بر گزارش والدین از شیوه فرزندپروری و همچنین رواندستی آنها دارد، بدین جهت

*. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان.

** . دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه تهران

*** . دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی

**** . دانشجوی دکتری روانشناسی کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

یکی از روش‌های بهبود این مشکلات ارائه آموزش‌های روانشناختی در زمینه مهارگری مشکلات رفتاری کودکان به والدین می‌باشد. از اینرو هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش رفتاری والدین به مادران کودکان با مشکلات برون‌ریزی شده (پرخاشگری و قانون‌شکنی) در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری این مادران است. روش پژوهش شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود.

از اینرو تعداد ۲۴ نفر از مادرانی که فرزندانشان با مشکلات رفتاری برون‌ریزی شده شناسایی شده بودند به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل هم‌تاسازی شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های، فهرست رفتاری کودک، شاخص تنیدگی والدین و پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بود. آموزش رفتاری والدین در قالب نه جلسه نود دقیقه‌ای در گروه آزمایشی اجرا شد. در پایان، دو گروه پرسشنامه‌های مذکور را به عنوان پس‌آزمون تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بیانگر تأثیر کاربندی آزمایشی بر کاهش نمره‌های شیوه‌های والدگری خودکامه و سهل‌گیر مادران و افزایش نمره شیوه والدگری مقتدرانه آنان بود ($P < 0/05$)، همچنین تحلیل‌ها نشانگر تأثیر کاربندی در کاهش، تنیدگی ($P < 0/05$) مادران کودکان گروه آزمایشی نسبت به گروه کنترل بود. یافته‌ها نشان می‌دهند که آموزش رفتاری به مادران شیوه‌های تربیتی مادران را بهبود بخشیده و از به وجود آمدن آشفتگی در روابط والد-فرزند و همچنین مشکلات هیجانی در مادران کودکان با مشکلات رفتاری برون‌ریزی شده پیشگیری می‌نماید.

واژه-کلیدها: رفتارهای برون‌ریزی‌شده، آموزش رفتاری والدین، تنیدگی، سبک‌های والدگری.

Abstract

Parental stress and psychological problems of parents of children with behavioral problems have devastating effects on parents' reports of their parenting style and welfare and hence is one of the ways to improve this problems is offering psychological training to parents in the field of

controlling children with behavioral problems. Therefore, the purpose of the current study was to investigate the effect of training behavior modification methods on mothers of children with externalized behavior problems on reducing stress and improving parenting styles of these mothers. The research method was quasi-experimental with pre-test and post-test design and a control group. 24 mothers of children with externalized behavior problems were selected using at-hand sampling and divided into control and experimental groups. Both groups filled out child behavior checklist, parenting style scale and parenting stress index. For the next step, the experimental group received instructions on behavior modification methods in 9 ninety-minute sessions while the mothers in control group went on their normal tasks. At the end of the instructional session, both groups filled out the mentioned questioners as the post-test. Covariance analysis was used for analyzing data. The results of the analysis of covariance showed that instructing behavior modification methods improved authoritarian parenting style scores in mothers ($P < 0/05$) and also decreased authoritative and neglectful parenting practices scores parenting stress ($P < 0/05$) among mothers in experimental group, in comparison with the control group. The results showed that offering behavioral training to mothers improves their parenting style and prevents rising confusion in parent-child relationships and also emotional problems in mothers of children with externalized behavior problems.

Keywords: externalized behavior problems, parents' behavioral training, stress, parenting style.

Contact information: amiri_tmu@yahoo.com

مقدمه

رفتارهای آزارگرانه و مشکلات رفتاری دوران کودکی دارای تأثیرات بلندمدتی بر وضعیت سلامت روانی والدین می‌باشند. پژوهشگران بیان می‌دارند، حضور کودک مبتلا به مشکلات برون‌ریزی‌شده^۱ در خانواده درخواست‌های مضاعفی را بر والدین این کودکان تحمیل می‌کند و باعث افزایش تنیدگی^۲، فشار روانی و انواع مشکلات روانشناختی در این والدین می‌شود (بوسینگ، گری، میلز و گاروان، ۲۰۰۷)، به‌صورتی که شواهد همبستگی

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

فراوانی حاکی از آن هستند که باری که مراقبت از این کودکان بر دوش والدین تحمیل می‌کند فرایند بهنجار، والدگری^۳ را به گونه‌ای مخدوش می‌کند که بر کارکرد والدگری آنها اثر منفی بر جای می‌گذارد (اسچلینگ، ۲۰۱۲، بوسینگ، زیما، ماسون و میر، ۲۰۱۲ و فینزی دوتان، ۲۰۱۱). این مقتضیات مواردی از قبیل تظاهرات تضادورزی و پرخاشگری^۴ که به مشکلات کودک برای تبعیت کامل از دستورالعمل‌های والدین مربوط می‌شود را شامل می‌شود (میر، پریچ و کونینگ، ۲۰۱۲).

از دیگر سو والدین کودکان با مشکلات رفتاری پرخاشگریانه، با فشارهای بسیار جدی در زمینه تلاش برای مدیریت و سروسامان دادن به فعالیت‌ها و کارهای روزانه کودکان روبرو بوده و همان‌طور که گفته شد با مشکلات روانشناختی و تشنگی‌های زیادی مواجه می‌باشند (هوانگ، ۲۰۰۳)، در اکثر مواقع، والدین این کودکان برای کنترل کودک و رفتار با آن به روش‌هایی متوسل می‌شوند که وضعیت کودک را بدتر کرده و از طریق اعمال کنترل شدید بر کودک، وضعیتی را به وجود می‌آورند که پیامد آن تعارض جدی والد با کودک و شدیدتر شدن نشانه‌های مشکلات رفتاری یاد شده در کودک است (هاوت چارلیر و کلمنت، ۲۰۰۹، فایانو، ۲۰۰۸ و اسائو، ۲۰۰۶). همچنین مطالعات انجام شده در مورد کودکان پیش‌دبستانی نشان می‌دهد که ضعف مسئولیت‌پذیری والدین و تنبیه شدید، خطر بروز رفتارهای اغتشاش‌گر را در آنها افزایش می‌دهد (گیمپل، ۲۰۰۲). دیگر پژوهش‌های انجام شده نیز به این نتایج دست یافته‌اند که سطوح بالای مشکلات برون‌ریزی شده کودکان همچون پرخاشگری، تضاد ورزی از دستورات والدین، عدم همکاری در محیط منزل، انجام ندادن کارهای و وظایف محوله در خانه با سطوح بالای افسردگی و والدگری سختگیرانه در والدین و سطح پایین کنترل رفتاری مناسب کودکان در خانواده همراه است، به‌صورتی که مدیریت رفتاری نامناسب کودکان به‌عنوان قسمتی از رفتارهای والدین و به‌صورت اخص استفاده از سبک والدگری خودکامه با مشکلات رفتاری در کودکان ارتباط دارد (گارستین، ۲۰۰۳).

پس می‌توان نتیجه گرفت که این روابط نامناسب و تنش‌آور بین والدین و کودک به‌صورت یک دور باطل رخ می‌دهد و این دور باطل هم سبب بروز بیشتر تنش در والدین و

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

هم سبب افزایش مشکلات رفتاری در کودک می‌گردد (ترنبال، ۲۰۰۲). با توجه به این مسائل و مشکلاتی که والدین و بالاختص مادران کودکان با مشکلات برون‌ریزانه با آن مواجه‌اند، یکی از روش‌های درمانی که برای درمان و پیشگیری از این قبیل آشفتگی‌های روانشناختی والدین و تصحیح سبک‌های والدگری، والدین در معرض خطر مورد استفاده قرار می‌گیرد، آموزش رفتاری والدین است (فینزی دوتان و همکاران؛ ۲۰۱۱، فایانو و همکاران، ۲۰۰۸ و لاندال، ۲۰۰۶)، آموزش رفتاری والدین که بر اصول یادگیری اجتماعی مبتنی است به والدین می‌آموزد که با شناخت پیش‌آمدها و پیامدهای رفتارهای نامناسب فرزندان خود، مشخص کردن آنها، شیوه نظارت بر این رفتارها، نادیده انگاشتن عمدی و برنامه‌ریزی شده، محرومیت موقت و دیگر فنون غیرجسمانی و بدون تنبیه بدنی رفتارهای فرزندان خود را تغییر دهند (کرمیس، چاکو، فایانو و پلهام، ۲۰۰۴).

لذا با توجه به اهمیت مقوله آموزش رفتاری والدین کودکان با اختلال‌های رفتاری و مسائل عدیده‌ای که ممکن است به‌واسطه وجود نداشتن چنین آموزش‌هایی، برای این والدین و کودکانشان به وجود بیاید، هدف این پژوهش آن است که به بررسی توامان این روش آموزشی بر کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران کودکان با مشکلات رفتاری بپردازد، لذا با توجه به مطالب گفته شده پژوهش حاضر در صدد بررسی تأثیر روش آموزش والدین بر تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران کودکان ۸ تا ۱۱ ساله است و در پی پاسخ دادن به این پرسش است که آیا آموزش رفتاری والدین می‌تواند در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران کودکان ۸ تا ۱۱ سال مؤثر باشد.

روش

این پژوهش از لحاظ روشی که دنبال می‌کند، آزمایشی با پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه کنترل است. جامعه آماری این پژوهش، از مادران پسران ۸ تا ۱۱ سال ساکن در شهر تهران تشکیل یافته بود. برای گزینش گروه نمونه نخست ۲ مدرسه، از بین مدارس پسرانه شهر تهران به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و تعداد ۱۲۰ نفر از والدین پرسشنامه فهرست رفتاری کودک

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

را تکمیل کردند که از این میان ۳۰ نفر از آنها به‌عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شدند، این ۳۰ نفر مادران کودکانی بودند که در فهرست رفتاری کودک (زیرمقیاس‌های پرخاشگری و قانون‌شکنی) بالاترین نمره‌ها را در یافت کرده بودند. روش نمونه‌گیری به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس انجام پذیرفت و نمونه انتخاب شده به‌صورت تصادفی به دو گروه آزمایشی و کنترل به‌صورت گروه‌های همگن شده (بر اساس کنترل سن، میزان تحصیلات مادر و وضعیت اقتصادی) تقسیم شدند.

روش اجرا: در هر دو گروه، پیش‌آزمونی برای تعیین تنیدگی والدگری و سبک‌های والدگری مادران کودکان با پرخاشگری و قانون‌شکنی اجرا و سپس گروه آزمایشی طی نُه جلسه آموزش داده شد و پس از پایان آموزش، مجدداً متغیرهای مذکور اندازه‌گیری شدند. محتوای برنامه از برنامه آموزش والدین بارکلی (۱۹۹۷)، اقتباس شده بود که به شرح اقدامات آموزشی انجام شده، پرداخته شده است.

جلسه اول: در این جلسه اطلاعات ضروری در مورد ماهیت، شیوع، سیر، پیش‌آگهی، سبب‌شناسی و درمان کارآمد مشکلات برونی‌سازی شده به والدین ارائه شد. جلسه دوم: در این جلسه زمینه لازم برای توضیح در مورد اصول شکل‌گیری رفتار و ضرورت رعایت اصول مدیریت رفتار فراهم شد. و اصول کلی مدیریت رفتار همچون تقویت مثبت، تقویت تفکیکی مورد توضیح قرار گرفت. جلسه سوم: در این جلسه بر نقش و اهمیت توجه والدین بر رفتارهای کودک تأکید شد و علاوه بر آن تکنیک‌های کلامی و استفاده از جمله‌های مثبت و اصول توجه به رفتار مثبت و همچنین نادیده‌انگاری رفتارهای نامناسب آموزش داده شد. جلسه چهارم: در این جلسه، توجه مثبت به فرمان‌برداری از دستور والدین و نیز پیروی از مقررات خانواده مورد بحث قرار گرفت. جلسه پنجم: به آموزش روش اقتصاد پته‌ای پرداخته شد. جلسه ششم: استفاده از روش جریمه و روش محروم‌سازی آموزش داده شد. جلسه هفتم: مدیریت رفتار در موقعیت‌های عمومی آموزش داده شد. جلسه هشتم: بهبود رفتار کودک در مدرسه از سوی خانه مطرح شد و با آموزش ثبت رفتارهای مثبت کودک در منزل و روش‌های امتیازدهی به این رفتارها خاتمه پذیرفت. جلسه نهم: در این جلسه نیز مروری کوتاه بر آموخته‌های آنها از

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

کل برنامه شد و سپس چگونگی مقابله با مشکلات در آینده مورد بحث قرار گرفت. در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده به عمل آمد:

فهرست رفتاری کودک^۵: این پرسشنامه شامل ۱۱۲ ماده درباره مشکلات خاص کودکان است. در این پرسشنامه سه عامل "مضطرب/ افسرده"، "انزوا / افسردگی" و "شکایت‌های جسمانی" عامل مرتبه دوم "مشکلات درونی‌سازی شده" را تشکیل دادند و از مجموع نمره‌های دو عامل "قانون‌شکنی" و "رفتار پرخاشگرانه" عامل "مشکلات برونی‌سازی شده" به وجود آمد. که در این پژوهش فقط از نمرات مربوط به زیرمقیاس رفتار پرخاشگرانه استفاده شد. اعتبار و روایی این پرسشنامه در مقیاس‌های صلاحیت ضرایب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۵ تا ۰/۸۵ جای گرفته‌اند. با در نظر گرفتن تعداد اندک پرسش‌ها و متفاوت بودن شکل آنها مقادیر آلفا در سطح مورد انتظار و رضایت‌بخش قرار دارند (مینایی، ۱۳۸۴). ضرایب آلفای مقیاس‌ها و زیرمقیاس‌های CBCL بین ۰/۸۷ (برای مقیاس برونی‌سازی شده) و ۰/۷۳ (برای مشکلات اجتماعی) قرار دارد.

پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری^۶ رابینسون، ماندلکو، الس و هارت (۲۰۰۱): این پرسشنامه را علیزاده (۱۳۷۹) به فارسی ترجمه کرده است. این پرسشنامه ۳۲ گویه‌ای توسط والدین تکمیل و دارای یک طیف پنج درجه‌ای است. این پرسشنامه سه شیوه فرزند پروری مقتدرانه، خودکامه و سهل‌گیر را می‌سنجد. علیزاده و آندریس (۲۰۰۲) اعتبار درونی برای مقیاس اقتداری در کودکان مادر را ۰/۹، برای مقیاس استبدادی ۰/۷۸ و سهل‌گیر ۰/۷۰ گزارش داده‌اند. یوسفی (۱۳۸۲) نیز اعتبار آنرا ۰/۷۶ به دست آورده است.

شاخص تنیدگی والدین^۷ (PSI): این شاخص در سال ۱۹۹۰ توسط آبدین ساخته شد و پرسشنامه‌ای است که بر اساس آن می‌توان اهمیت تنیدگی در نظام والدین-کودک را ارزشیابی کرد (آبدین، ۱۹۹۰). این پرسشنامه دارای ۱۰۱ سؤال است (دادستان، ۱۳۷۷). ضریب قابلیت اعتبار و اعتماد همسانی درونی از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای مقیاس در یک گروه ۵۳۴ نفری از والدین ساکن در منطقه ویرجینیای آمریکا ۰/۹۵ به دست آمد. این ضریب در قلمرو ۰/۸۹ و در قلمرو والد ۰/۹۳ بوده است (کرولیک و همکاران، ۱۹۹۹). همچنین در

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

بررسی که با روش بازآزمایی، ضریب همبستگی اسپیرمن در قلمرو کودک و والدین ۰/۸۱ و ۰/۷۰ حاصل شد، که حاکی از وجود همبستگی قوی و معنی‌دار در طی سه هفته است (تاجری، ۱۳۷۸).

داده‌ها و یافته‌ها

با توجه به طرح پژوهش حاضر که از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد، برای تحلیل داده‌ها و به‌منظور کنترل اثر پیش‌آزمون از تحلیل کوواریانس استفاده شد.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار پیش‌آزمون و پس‌آزمون در افراد دو گروه آزمایشی و کنترل

متغیرها	گروه	میانگین	انحراف معیار
پیش‌آزمون شیوه والدگری خودکامه	آزمایش	۲۳/۳۳	۲/۷۰
	کنترل	۲۰/۱۶	۲/۴۴
پس‌آزمون شیوه والدگری خودکامه	آزمایش	۱۶/۵۸	۲/۷۱
	کنترل	۲۰/۲۵	۲/۱۰
پیش‌آزمون شیوه والدگری سهل‌گیر	آزمایش	۲۱/۸۳	۳/۲۹
	کنترل	۲۰/۴۱	۴/۰۳
پس‌آزمون شیوه والدگری سهل‌گیر	آزمایش	۱۴/۰۰	۳/۹۸
	کنترل	۲۱/۹۱	۳/۷۸
پیش‌آزمون شیوه والدگری مقتدرانه	آزمایش	۲۴/۰۸	۳/۲۶
	کنترل	۲۵/۴۱	۳/۵۷
پس‌آزمون شیوه والدگری مقتدرانه	آزمایش	۳۲/۵۰	۲/۷۱
	کنترل	۲۴/۷۵	۳/۴۴
پیش‌آزمون تنیدگی والدگری	آزمایش	۲۹۵/۷۵	۲۳/۱۷
	کنترل	۲۹۲/۰۸	۲۱/۸۴
پس‌آزمون تنیدگی والدگری	آزمایش	۲۶۸/۵۸	۲۲/۱۵
	کنترل	۲۹۳/۰۶	۲۱/۷۵

در جدول شماره (۱) نمرات میانگین و انحراف استاندارد گروه‌های آزمایشی و کنترل

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

به ترتیب نشان داده شده است که گروه آزمایشی در مقیاس شیوه‌های والدگری خودکامه و سهل‌گیر و تنیدگی والدگری در پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل کاهش نشان می‌دهد، در زیر مقیاس سبک والدگری مقتدرانه نیز در پس‌آزمون در گروه آزمایشی در مقیاسه با گروه کنترل، میانگین این مقیاس افزایش نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به متغیرهای سبک والدگری دو گروه آزمایشی و کنترل

متغیرها	منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
شیوه والدگری خودکامه	پیش‌آزمون	۱۲/۷۳	۱	۱۲/۷۳	۲/۴۶	۰/۱۳	۰/۱۰
	گروه	۹۰/۰۰	۱	۹۰/۰۰	۱۷/۴۳	۰/۰۵	۰/۴۵
	خطا	۱۰۸/۴۳	۲۱	۵/۱۶	-	-	-
	کل	۸۳۴۲	۲۴	-	-	-	-
شیوه والدگری سهل‌گیر	پیش‌آزمون	۵۰/۱۹	۱	۵۰/۱۹	۱۲/۷۴	۰/۰۵	۰/۳۷
	گروه	۴۱۶/۴۴	۱	۴۱۶/۴۴	۱۰۵/۷۱	۰/۰۵	۰/۸۳
	خطا	۸۲/۷۲	۲۱	۳/۹۳	-	-	-
	کل	۸۲۴۹	۲۴	-	-	-	-
شیوه والدگری مقتدرانه	پیش‌آزمون	۱/۳۶	۱	۱/۳۶	۰/۱۳۷	۰/۷۱	۰/۰۰۶
	گروه	۳۵۷/۳۵	۱	۳۵۷/۳۵	۳۵/۷۵	۰/۰۵	۰/۶۳
	خطا	۲۰۹/۸۸	۲۱	۹/۹۹	-	-	-
	کل	۲۰۲۳۷	۲۴	-	-	-	-

چنانچه در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود بین میانگین نمرات پس‌آزمون زیرمقیاس‌های سبک‌های والدگری خودکامه $[F(۱ و ۲۱) = ۱۷/۴۳ و P < ۰/۰۰۱]$ سهل‌گیر $[F(۱ و ۲۱) = ۱۰۵/۷۱ و P < ۰/۰۰۱]$ و مقتدرانه $[F(۱ و ۲۱) = ۳۵/۷۵ و P < ۰/۰۰۱]$ بعد از حذف اثر پیش‌آزمون تفاوت معنا داری وجود دارد. بنابراین، میانگین نمرات پس‌آزمون سبک‌های والدگری خودکامه و سهل‌گیر به‌صورت معناداری کمتر از گروه کنترل است و نمره شیوه والدگری مقتدرانه به‌صورت معناداری در پس‌آزمون بیشتر از گروه کنترل است.

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به متغیر تنیدگی والدگری دو گروه آزمایشی و کنترل

متغیر	منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
تنیدگی والدگری	پیش‌آزمون	۱۰۹۰۷/۳۳	۱	۱۰۹۰۷/۳۳	۵۴/۵۵	۰/۰۵	۰/۷۲
	گروه	۳۲۴۷/۷۷	۱	۳۲۴۷/۷۷	۱۶/۲۴	۰/۰۵	۰/۴۳
	خطا	۴۱۹۸/۵۰	۲۱	۱۹۹/۹۲	-	-	-
	کل	۱۸۲۷۷۲۰	۲۴	-	-	-	-

با توجه به جدول شماره (۵)، نتایج نشان داد اثر گروه یا مداخله با حذف یا زدودن متغیر همپراش نیز از لحاظ آماری معنادار بوده است ($p < ۰/۰۵$ و $F(۱ و ۲۱) = ۱۶/۲۴$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت برنامه آموزش رفتاری باعث تغییر در گروه‌ها شده است. علاوه بر این میزان اندازه اثر ۰/۴۳ یا به عبارت دیگر ۴۳ درصد از تغییرات تنیدگی والدگری مربوط به عضویت گروهی است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل نتایج نشان داد که آموزش رفتاری مادران در کاهش تنیدگی والدگری و بهبود سبک‌های والدگری مؤثر بوده است و اثربخشی آن از لحاظ آماری معنادار است. یافته پژوهشی مطالعه حاضر با پژوهش‌های دانفورث (۲۰۰۶)، تریسی و همکاران (۲۰۰۵)، وینبرگ (۱۹۹۹) و پیسترمن و همکاران (۱۹۹۲)، در زمینه آموزش مدیریت تنیدگی به والدین کودکان با مشکلات رفتارهای ایزایی منطبق است. این یافته‌ها همچنین با یافته‌های پژوهشی سینگر و همکاران، ۲۰۰۷، در زمینه آموزش مدیریت تنیدگی به والدین دارای کودکان با اختلال‌های رشدی منطبق می‌باشد.

با توجه به اینکه رویکرد این برنامه درمانی مبتنی بر اصول تغییر رفتار است و چندین جلسه از کل جلسات به آموزش مدیریت رفتار اختصاص داده شد، شاید بتوان گفت که کاهش تنیدگی گروه آزمایشی در این مقیاس، ناشی از این عوامل بوده است و علت آن است که

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

مادران با روش‌های متنوعی برای کنترل رفتار و ایجاد نظم و انضباط در فرزندانشان آشنا شده‌اند. این یافته با پژوهش‌هایی مانند پژوهش چادویک (۲۰۰۱) و فلدمن و ورنر (۲۰۰۲) (به نقل از سینگر و همکاران، ۲۰۰۷) منطبق است. منبع دیگر تغییر آشنایی والدین با ماهیت مشکلات رفتاری برون‌ریزانه و همچنین آشنایی آنها با اصول برقراری ارتباط با فرزندانشان باشد که باعث شده دیدشان نسبت به فرزندشان تغییر کند و رفتارهای او را بهتر درک کنند و با او بهتر ارتباط برقرار نمایند. دومین منبع، تغییر ناتوانی واقعی یا تصویری والدین در درک احساسات و یا نیازهای فرزندشان است (آبیدین، ۱۹۸۲؛ هاملین، ۱۹۸۰؛ نوپ و همکاران، ۱۹۸۹، به نقل از استورا، ۱۹۹۱؛ ترجمه دادستان، ۱۳۸۶).

از دیگر سو یافته‌های پژوهش نشان دادند که آموزش رفتاری مادران در بهبود شیوه‌های والدگری آنان مؤثر بوده است. به عبارتی شیوه‌های والدگری خودکامه و سهل‌گیر کاهش یافته و شیوه والدگری مقتدرانه افزایش یافته است، این یافته‌ها نشانگر اثربخش بودن این نوع مداخله‌ها در کاهش مشکلات ارتباطی بین این والدین و کودکانشان و همچنین بهبود شیوه‌های تربیتی و والدگری این مادران است. یافته‌های فوق با یافته‌های سایر پژوهشگران مبنی بر اثربخش بودن آموزش رفتاری والدین در کاهش شیوه والدگری نامناسب و همچنین تصحیح این شیوه‌های در والدین این کودکان همسو می‌باشد (تریسی و همکاران، ۲۰۰۵).

در این راستا می‌توان گفت که ارائه آموزش‌هایی در مورد علل، خصیصه‌ها، و همچنین فنون مدیریت رفتار کودکان با پرخاشگری به این قبیل والدین باعث بهبود عملکرد رفتاری و شیوه‌ای تربیتی این افراد و به طبع آن کاهش مشکلات رفتاری فرزندانشان می‌شود (دانفورد و همکاران، ۲۰۰۸). منبع دیگر تغییر شیوه‌های والدگری این والدین آشنایی این افراد با ماهیت پرخاشگری و همچنین آشنایی آنها با اصول برقراری ارتباط با فرزندانشان باشد که باعث شده دیدشان نسبت به فرزندشان تغییر کند و رفتارهای او را بهتر درک کنند و با او بهتر ارتباط برقرار نمایند. همچنین بیشتر این مادران در تلاش برای اداره رفتار ناکام‌کننده این اختلال، سبک‌های والدینی خشن و منفی را اتخاذ می‌کنند و چون مهارت‌های توجه در شکل دادن رفتار کودکان حایز اهمیت هستند، این حوزه از آموزش رفتاری والدین، شامل تغییر دادن

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

شیوه‌ای که بر اساس آن مادران به کودکانشان توجه می‌کنند نیز می‌شود که از این راستا این امر بر بهبود شیوه‌های والدگری این والدین تأثیر گذار بوده است (قنبری، ۱۳۸۵).

پی‌نوشت‌ها:

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------|
| 1- Externalizing behavior problems | 2- Stress |
| 3- Parenting | 4- Aggression |
| 5- Child behavior checklist | 6- Parenting style questioner |
| 7- Parenting stress index | |

منابع و مآخذ فارسی

- استورا، بنجامین جی. (۱۹۹۱). تنیدگی یا استرس بیماری جدید تمدن. ترجمه پریخ دادستان (۱۳۷۷). تهران: رشد.
- تاجری، بیوک. (۱۳۷۸). بررسی استرس، نگرش مذهبی و آگاهی مادران کودکان عقب‌مانده ذهنی و رابطه آنها با میزان پذیرش کودک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انیستیتو روانپزشکی تهران.
- زرگری‌نژاد، غزاله و یکه‌یزدان دوست، رخساره. (۱۳۸۶). اثر آموزش والدین بر مشکلات رفتاری کودکان ADHD (مطالعه تک‌موردی). فصلنامه مطالعات روانشناختی دانشگاه الزهراء، ۳ (۲)، ۲۹-۴۸.
- قنبری، س. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی آموزش رفتاری والدین در کاهش مشکلات برونی‌سازی شده کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی کودک، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.
- مینایی، احسان. (۱۳۸۴). هنجاریابی نظام‌سنجشی مبتنی بر تجربه آشنابخ. تهران: انتشارات سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی.

منابع و مأخذ خارجی:

- Abidin, R.R. (1990). Introduction To The Special Issue:the Stresses of Parenting. *Journal of Clinical Child Psychology*,19, 298-301.
- Alizadeh H, Andries C. (2002). Interaction of Parenting Style and Deficit Hyperactivity Disorder in Iranian Parents. *Child Family Behavior Therapy*. 24, 37-52
- Barkley R. (1997). *Defiant Children: A Clinician's Manual for Assessment and Parent training*, 2nd edn., Guilford, New York
- Bussing, R., Zima, B., Mason, D., Meyer, J. (2012). ADHD Knowledge, Perceptions, and Information Sources: Perspectives From a Community Sample of Adolescents and Their Parents. *Journal of Adolescent Health xx - xxx*.
- Bussing.R Gary.F. A. Mills.T.L. & Garvan.C.W. (2007). Cultural variations in parental health beliefs, knowledge, and information sources related to attention-deficit/hyperactivity disorder. *Journal of Family Issues*, 28, 291-318.
- Conner, F. (2002). *Aggression and Antisocial behavior in children and Adolescents:Research and treatment*. New york :A Division of Gilford publication.
- Danforth, J.S. Harvey, E., Ulaszek, W.R. & Mckee, T.E. (2006). The outcome of group parent training for families of children with attention deficit hyper activity disorder and defiant aggression behavior. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 37, 188-205.
- Essau, C.A. (2006). *Child and Adolescent Psychopathology*. New york: Routledge Taylor & francis group.
- Fabiano, G. A., Pelham, W. E., Coles, E. K., Gnagy, E. M., Chornis-Tuscano, A., OConnor, B. (2008). A meta-analysis of behavior treatment for attention-deficit /hyperactivity disorder. *Clinical Psychology Review*, 52, 1-12.
- Fabino, G. Chacko, A. Pelham Jr., W.E. Robb, J. Walker, K.S. Arnold, F. Sastry, A.L. Fllamer, L. Keenan, J.K. Visweswaraiah, H. Shulman, S. Herbst, L. & Privics, L. (2008). A comparision of behavior parent training programs for fathers of children with attention-deficit / hyperactivity disorder. *Journal of Behavior Therapy*, Accepted Manuscript.
- Finzi-Dottan, R. (2011). *Predictors of stress-related growth in parents of children with ADHD*. *Research in Developmental Disabilities*, 510-519
- Gartstein, MA, Fagot, BI. (2003). Parental depression, parenting and family adjustment, and child effortful control: Explaining externalizing behaviors for preschool children. *Applied Developmental Psychology*. 143-177.

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

- Gimpel, G.A., Holland, M.L. (2002). Emotional and Behavioral Problems of Young Children: Effective Interventions in the Preschool and Kindergarten Years, New York: Guilford press.
- Hauth-Charlier, S., & Clement, C. (2009). Behavioral Parent Training Programs for Parents of Children with ADHD: Practical Consideration and cilinical implication. *Pratiques Psychologiques*, 15, 223-234.
- Huang.H. Chao.C. Tu.C.C. & Yang.P.C. (2003). Behavior Parent training for Taiwanese parent of children with attention-deficit hyperactivity disorder. *Psychiatry & Cilinical Neurosciences*, 57, 275-281.
- Johnston, C. (2012). Parenting in adults with attention-deficit/hyperactivity disorder (ADHD). *Clinical Psychology Review*, 32, 215–228.
- Krulik, T. , Turner-Henson, A. , Kanematsu, Y. , AL-Ma aitah, R. , Swan, J., and Holaday, B . (1999). Parenting stress and mothers of young children with choronic illness: A cross-cultural study. *Journal of Pediatric Nursing*, 14 (2), 130-140.
- Lundahl. B., Risser. H.J., & Lovejoy. M. (2006).A Meta analysis of parent training: moderators and follow-up effects. *Cilinical Psychology Review*, 26, 86-104.
- Mash, E. J., & Barkley, R. A.(2002).Child psychopathology. New York: The Guilford Press.
- Meier, NM, Perrig, W, Koenig, T. (2012). Neurophysiological correlates of delinquent behaviour in adult subjects with ADHD. *International Journal of Psychophysiology*. 84, 1–16.
- Rubin KH, Burgess KB, Dwyer KM, & Hastings PD.(2002). Predicting preschoolers externalizing behaviors from toddler temperament, conflict, and maternal negativity. *Developmental Psychology*. (39), 164–176.
- Schilling, C. (2011). ADHD and criminality: A primer on the genetic, neurobiological, volutionary, and treatment literature for criminologists. *Journal of Criminal Justice* 39, 3–11.
- Singer, GHS, Ethridge, BK, Aldana, SI. (2007). Primary And Secondary Effect of Parenting and Stress Management of Children With Developmental Disabilities: A Meta-Analysis. *Journal of Mental Retardation and Developmental Disabilities*, 13: 357-369.
- Treacy L, Tripp G, Baird A. (2005). Parent Stress Management Training for Attention Deficit Hyperactivity Disorder. *Behavior Therapy*. 36, 223-233.
- Turnball, R. Turnball, A. Shank, M. Smith, S. & Leal, D. (2002). *ExceptionalLives: Special Educative In Today's Schools* (3th ed). New York: Merill Prentice hall.
- Webster-Stratton, C, Reid, J, Hammond, M. (2001). Preventing Conduct

تأثیر آموزش رفتاری والدین در کاهش تنیدگی و بهبود شیوه‌های والدگری مادران دارای کودکانی که ...

Problems, Promoting Social Competence: A Parent and Teacher Training Partnership in Head Start. *Journal of Clinical Child Psychology*, 30(3), 283-302.